



۲۰۱۶/۱۲/۰۵



م. اسحاق نگارگر

بم گذاری های انتحاری در اسلام حرام است

من دو سال پیش نوشته بودم که مثله کردن مُردگان در اسلام حرام است اما در جهان ما که غرق تعصب و کج اندیشی است متأسفانه گوش شنوا وجود ندارد و من اینک باز این نگارش خود را در این صفحه می گذارم و رسا تر فریاد می زنم که بم گذاری های انتحاری حرام است و هرکس که بدان می پردازد بر ضد رحمانیت خدا (ج) عمل می کند. خدا مردم را برای این مقصود نیافرید که در کارزار زندگی به جان هم بیفتند و خلعت هستی را از همدیگر بازگیرند. فاعتبروا یا اولی الابصار نگارگر

نور جان در ظلمت آباد بدن گم کرده ام
آه ازین یوسف که من در پیرهن گم کرده ام
(بیدل)



اسلام به طور یک گل نوعی فلسفه اخلاق است که دیو سرکش درون را با پرورش اراده دینی رام می سازد و پیش از دیگران و بیش از دیگران ما را بر خود یعنی نفس امر کننده به بدی مسلط می سازد. من وقتی این ادعا را می کنم حضرت بلال بن رباح مؤذن خوش آواز پیامبر اکرم (ص) پیش چشمم می ایستد. همان بلال که نخستین فریاد الله اکبر را از فراز مسجد نبوی بلند کرد ولی مدتی پیش از این اذان ملکوتی او را می بینم که بر روی ریگ های داغ بیابان مکه او را به پُشت خوابانده و بر سینه اش تخته سنگی نهاده اند و از او می خواهند که به وجود دو خدا یعنی لات و عزی اعتراف کند.

او را شکنجه می کنند ولی او با (احد، احد) گفتن این شکنجه ها را بر خود هموار می سازد. اسلام محمد (ص) را این اراده ها بلند آوازه ساخت. اما وقتی که استبداد و جاه طلبی های مستبدان مانند کرمی در پیکر این درخت نیرومند رخنه کرد آن گوهر گران بهای تکمیل مکارم اخلاق را که رسول مقبول (ص) هدف بعثت خود خوانده بود از آن باز گرفتند و بدین ترتیب بود که اعمال و عبادات هدف اصلی خود را از دست دادند و به وسایل بخشودن گناه بدل شدند و تلقی همین شد که هرچه دلت می خواهد انجام بده ولی از نماز غافل مشو که این صابون چرک گناه را پاک می کند. استبدادی که بر جهان اسلام مستولی شد به طور خاص آنگاه که معاویه برای فرزند ناخلف خود یزید با توسل به حيله بیعت گرفت نزد مردم به آسانی قابل قبول نبود. مسلمانان که سلطنت را بدعت تقلید شده از روم و پارس می دیدند بدان تمکین نمی کردند ولی استبداد با زور و نیرنگ کار خودش را کرد و بیعت را که امری بسیار جدی بود و خلافت بدون بیعت برای مسلمانان قابل پذیرش نبود با احیای حس قومیت و برانگیختن سیاست برتری عرب بر عجم بر مردم قبولاند و آن مرتبتی را که خلافت توأم با بیعت داشت از آن باز گرفت و به قول حافظ مسلمانان را به هفتاد و دو گروه تقسیم کرد که حق در جدال شان گم شد و حافظ را واداشت که بگوید:

جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه

چون ندیدند حقیقت، ره افسانه زدند

حافظ

آن حقیقت را که جدال های فرقه ای از مسلمانان ربوده بود هر کدام در فکر گروه خود می دید و برای قبولاندنش به زور متوسل می شد. و اما اینکه گفتم هدف اصلی بعثت پیامبر اکرم (ص) تکمیل مکارم اخلاق است از این جا می گویم که در اسلام هدایت عملیه مرحله به مرحله و گام به گام است. دینی که خداوند (ج) آنرا با بعثت پیامبر اسلام کامل ساخت گام های تدریجی برای متعادل ساختن ذهنیت بشر است. خدا (ج) و پیامبر (ص) هر دو انسان را از مبالغه در دین بر حذر می دارند. مبالغه در دین به اساس کلام الله دو وجه متباز دارد:

۱) مبالغه در شأن پیامبران و آنان را به مقام الوهیت رساندن (حضرات عزیز و عیسی را خدا یا فرزند خدا خواند)
۲) مبالغه در باره علمای دین و حرف آنان را به جای امر خدا (ج) و رسولش (ص) نشاندن و همچنان ثروت اندوزی های روحانیون از جیب مردم چنانکه کلام الله به زر و سیم اندوزی روحانیون مسیحی و یهودی اشاره می کند.
و اما از اینها که بگذریم آیه ۷۰ اسراء یعنی (و لقد کررنا بنی آدم...) حکم عام دارد یعنی خداوند بنی آدم را کرامت بخشید و این کرامت به تمام انسان ها یعنی مسلمان، کافر، زن، مرد، دیندار و بی دین همه تعلق دارد و این کرامت از هیچ انسان حتی اگر مجرم باشد قابل انتزاع نیست و بنا بر این توهین و تحقیر انسان نقض همین کرامت است و این کرامت ایجاب می کند که میت انسان را مثله ننمایند ولی بم گذاری های انتحاری بدون مثله کردن اشخاص ممکن نیست و بنا بر این برخلاف قرآن کریم است.

در جنگ اُحُد هنگامیکه هند همسر ابوسفیان نعل عموی پیامبر یعنی حضرت حمزه را مثله کرده بود پیامبر اکرم (ص) گفته بود که ده تن از کفار قریش را به جای عم خود مثله خواهد کرد اما کلام خدا او را از این امر باز داشت.

آیه ۱۳۳ و ۱۳۴ آل عمران می گوید که "فرو خورندگانِ خشم و عفو کنندگان بر مردم و خدا نیکوکاران را دوست دارد." در این آیه مبارکه نیز لفظ (ناس) که در برگیر کافر و مسلمان هر دو می باشد. آمده است بنا بر این عفو شامل حال غیر مسلمان نیز شده می تواند.

باز هم مثل اینکه از حد معمول خود بیشتر نوشتیم. دامن این بحث را در همین جا فرا می چینم و در فرصتی دیگر با استناد بر برخی از آیات دیگر کلام الله و تعامل عصر رسول کریم (ص) می خواهم ثابت کنم که بم گذاری های انتحاری هیچ وجه مشترک با اسلام ندارد و آنانی که این کار را استشهاد میخوانند اشتباه کرده اند زیرا که استشهاد طلب شهادت برای خود شخص در برخی حالات بسیار استثنایی است ولی کشتن بی گناهان (چه مسلمان و چه غیر مسلمان) شامل استشهاد نمی شود. باز هم این صحبت را دنبال خواهم کرد. یار زنده صحبت باقی تا صحبت آینده همه را به خدای کریم می سپارم. والله اعلم بالصواب ۵ دسمبر ۲۰۱۴ برمنگهم نگارگر

پایان

